

نقد روش شناختی مطالعات مرتبط با توسعه سیاسی ایران

غلامرضا محمدی مهر* مجید توسلی رکن آبادی**
ابوالقاسم طاهری*** افسانه ادیسی****

چکیده

در مقاله حاضر، به نقد روش شناسی مطالعات مرتبط با توسعه سیاسی ایران پرداخته شده است. روش تحقیق مرور نظام‌مند و جامعه آماری آن، ۱۴۵ کتاب است که پس از انقلاب اسلامی، به رشته تحریر درآمده‌اند. جمع‌آوری اطلاعات براساس ابزار ارزیابی برگرفته از مبانی نظری انجام شده و با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS پردازش شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد در بیش از دو سوم (۷۶/۶ درصد) کتاب‌ها، عوامل توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران، مورد بحث قرار گرفته است و با اینکه مطالعات مذکور، عمدتاً مسئله یکسانی داشته‌اند، ولی به ارائه تحلیل‌های ناهمسان از توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل ناهمگونی تحلیل‌ها، رعایت نشدن قواعد روش‌شناسی بوده است. به طوری که تنها ۶/۸ درصد کتاب‌ها (۸ مورد)، به لحاظ روش‌شناسی، از امتیاز بالایی برخوردار بوده‌اند. این نتایج مؤید نظریاتی است که بر نقش روش‌شناسی پژوهش در نوع شناخت تأکید داشته‌اند. از جمله نظریه پروبلماتیک آلتوسر که در این گروه جای می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: توسعه سیاسی، توسعه سیاسی ایران، توسعه نیافتگی سیاسی ایران، گونه‌شناسی، روش مرور نظام‌مند.

* دانشجوی دوره دکتری علوم سیاسی (مسائل ایران)، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. r43mehr@yahoo.com

** دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) tavasoli@gmial.com

*** استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Dr.Taheri @ yahoo.com

**** دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Edrisiafsaneh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۰۶

۱. مقدمه

واکاوی ریشه‌ها و عوامل توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران، بخشی مهم از تأملات و تلاش‌های صاحب‌نظران ایرانی و خارجی در دهه‌های اخیر بوده است. حاصل این تلاش‌ها، انتشار آثار بی‌شماری است که در ادواری مضمون غالب مطالعات سیاسی - اجتماعی را شکل داده است. در نگاه اول این طور به نظر می‌رسد که پژوهش‌ها محدود به آثاری است که عنوان توسعه یا توسعه‌نیافتگی سیاسی را بر خود دارند. در حالی که با توجه به چندبعدی بودن مفهوم توسعه سیاسی و پیچیدگی مسائل ایران، آثار منتشر شده از تنوع و کثرت فراوانی برخوردارند. تمرکز گونه‌ای از مطالعات بر چگونگی فرایند نوسازی سیاسی است و در گونه‌ای دیگر به مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی توجه شده است. بخشی از پژوهش‌ها فرایند گذار به دموکراسی و تحقق جامعه مدنی را مورد بررسی قرار داده‌اند و در بخشی دیگر به ابعاد و شاخص‌های توسعه سیاسی همچون مشارکت سیاسی، تحزب، قانونمداری، عقلانیت و تساهل توجه شده است. همچنین با توجه به فرایند دوجبهی توسعه سیاسی که هم تغییرات تکاملی و پیشرفت را در برمی‌گیرد و هم شامل زوال سیاسی می‌شود، بخش قابل توجهی از مطالعات، ریشه‌های انحطاط سیاسی، استبداد و اقتدارگرایی را مورد مطالعه قرار داده‌اند و لذا دامنه مطالعات توسعه سیاسی ایران، تقریباً رهیافت‌های کلان و شناخته شده این موضوع را در برمی‌گیرد.

این امر همان‌طور که بیان شد نشانگر وسعت نظر و اندیشه نافذ اندیشمندان ایرانی است که همواره سعی داشته‌اند به تحلیلی واقع‌بینانه و جامع از چگونگی شکل‌گیری ایران کنونی دست یابند و آن هم در عرصه‌ای بس غامض و پیچیده که عوامل پیدا و پنهان بسیاری در تحول آن نقش داشته و با ارائه یک نظریه یا حتی ترسیم مدل‌های پیچیده، به سادگی قابل تبیین نیست.

از سوی دیگر این امر کثرت و تنوع دیدگاه‌ها و نظریه‌های بعضاً متناقض را در پی داشته که دستیابی به تصویر کلی از آن را مشکل می‌سازد. ممکن است در عالم اندیشه، تنوع دیدگاه‌ها به نوعی پلورالیزم نظری تعبیر شود، ولی نمی‌تواند راهگشای حل مسائل ایران باشد. البته با کاربرد مطالعات مروری و از جمله فراتحلیل تاحدی امکان ادغام دیدگاه‌ها و دستیابی به نظریه‌ای جامع وجود دارد که در این باره اقدام جدی تاکنون صورت نگرفته است. حتی از تعداد آثار مکتوب درباره توسعه سیاسی ایران اطلاع دقیقی در دست نیست. آنچه انجام یافته، در حد نقدهایی است که با نقد سازنده و علمی فاصله دارند و بیشتر منتقدین، فقط بر نقاط ضعف آثار انگشت گذاشته و ویژگی‌های مثبت آن را نادیده گرفته‌اند. نقد و ارزیابی در صورتی کارآمد است که

متکی به معیارهای معتبر و قابل پذیرش از سوی غالب اندیشمندان علوم اجتماعی باشد و بدون اعتنا به مؤلف، وزن اثر وی را بسنجد. به نظر می‌رسد چنانچه نقد بر پایه‌های روش‌شناسی علمی بنا شود، مورد وثوق همگان خواهد بود. بدین منظور همان‌طور که اشاره شد، می‌توان با بهره‌گیری از روش‌های مطالعات مروری که در زمره روش‌های فراتحلیل جای می‌گیرند، کمیت و کیفیت آثار را مشخص ساخت و مکتوبات وزین را از آثار کم‌ارزش تمیز داد. ضمن ارج نهادن به تلاش سترگ صاحب‌نظران ایرانی و خارجی که در چند دهه اخیر، آثار بسیاری را با گرایش‌های جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی سیاسی، اقتصاد سیاسی، جامعه‌شناسی تاریخی و مسائل ایران به رشته تحریر درآورده‌اند. در این مقاله به نقد آثار مرتبط با توسعه سیاسی ایران پرداخته شده است. بی‌شک هر مطالعه مروری هر قدر هم با ارزش و فاخر باشد، جانمایه خود را از تک‌تک آثار پیشین می‌گیرد و وام‌دار آن مکتوبات است.

۲. بیان مسئله

مطالعات توسعه سیاسی در مغرب‌زمین سابقه‌ای دیرین دارد و آغاز آن به دهه پنجاه سده بیستم برمی‌گردد. در آن زمان، کمیته سیاست تطبیقی شورای پژوهش‌های علوم اجتماعی مستقر در دانشگاه پرینستون آمریکا، پژوهش‌های دامنه‌دار و نظام‌مندی را پیرامون فرایند نوسازی و توسعه سیاسی در نقاط مختلف جهان شروع نمود (پای و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۵) و پایه‌گذار تحقیقات گسترده‌ای در سراسر جهان شد.

در ایران، مطالعات توسعه سیاسی از سابقه چندانی برخوردار نیست و در دهه‌های اخیر، به یکی از دغدغه‌های فکری اندیشمندان ایرانی بدل شده و دستمایه تألیف آثار بسیاری قرار گرفته است. بخشی از آثار جنبه نظری داشته و با هدف آموزش این مبحث به رشته تحریر درآمده است (قوام، ۱۳۷۱؛ سیف‌زاده، ۱۳۶۸) و در بخش قابل توجهی از تألیفات، به واکاوی ریشه‌ها و علل توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران پرداخته شده است (سریع‌القلم، ۱۳۹۳). گرچه اکثر آثار پیش‌گفته با نقطه‌عزیمتی یکسان، به کنکاش درخصوص موانع توسعه سیاسی ایران پرداخته‌اند، ولی تحلیل‌های انجام شده از گستره وسیعی برخوردار است؛ به طوری که نمی‌توان تصویری همگون از توسعه‌نیافتگی یا زوال سیاسی ایران ترسیم نمود. در برخی از کتاب‌ها، استبداد عامل اصلی عقب‌ماندگی ایران قلمداد شده (کاتوزیان، ۱۳۹۳) و در برخی دیگر از تألیفات، مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی برجسته شده است (سریع‌القلم، ۱۳۹۳) و در تعدادی دیگر از آثار، به عامل استعمار توجه شده است (رواسانی، ۱۳۹۰).

با اینکه نقدهای بسیاری درباره هر یک از آثار نوشته شده، ولی اکثر نقدها،

جانبدارانه و غیرسازنده بوده (توسلی و محمدی مهر، ۱۳۹۶:) و به اختلافات بیشتر دامن زده است. در اینجا این سؤال پیش می‌آید که چگونه در آثار مرتبط، با اینکه غالباً سؤال یکسانی داشته‌اند، تحلیل‌های ناهمگونی از توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران ارائه شده است؟ ممکن است گرایش‌های مطالعاتی مختلف، عامل اصلی این ناهمسانی، برشمرده شود. در حالی که تعداد این رویکردها بسیار اندک و عمدتاً در چارچوب جامعه‌شناسی سیاسی، اقتصاد سیاسی و جامعه‌شناسی خلاصه می‌شوند. با توجه به اینکه غالب آثار به دنبال پاسخ به یک یا چند سؤال و در واقع مسئله محور بوده‌اند، می‌توان چگونگی پاسخ به سؤال پژوهش را مدنظر قرار داد. به بیان دیگر، هر اثر و تألیف درباره توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران را به عنوان یک مطالعه پژوهشی در نظر گرفت و چگونگی و فرایند پاسخ به سؤال مطالعه را بررسی نمود؛ آنچه به عنوان روش‌شناسی پژوهش علمی از آن یاد می‌شود. مسئله‌ای که در نقدهای نوشته شده، چندان مورد توجه قرار نگرفته و اگر به آن توجه شده، به شکلی محدود و تنها در بررسی چند اثر خلاصه شده است. لذا در پژوهش حاضر سؤال اصلی این است که در تألیفات مرتبط با توسعه سیاسی ایران، تا چه حد از قواعد روش‌شناسی تبعیت شده است؟ آیا تحلیل‌ها و دیدگاه‌های ناهمسان از توسعه سیاسی ایران، از رعایت نشدن قواعد روش‌شناسی ناشی می‌شود؟

۳. چارچوب مفهومی و مبانی نظری

با توجه به موضوع و نیاز نظری پژوهش، در اینجا تعریف سه مفهوم اساسی تحقیق یعنی نقد، روش‌شناسی و توسعه سیاسی، ضرورت پیدا می‌کند.

نقد: از نقد تعاریف بسیار متنوعی صورت گرفته است. در نزد قدمای ما، نقد جداکردن سره از ناسره و بهین چیزی برگزیدن است (زرین‌کوب، ۱۳۸۶: ۲۶۲) که در برخی گونه‌شناسی‌های مرسوم، این برداشت از نقد، کلاسیک تلقی می‌شود (فولادی، ۱۳۸۹: ۱۳۲) و در مقابل نقدهای معاصر یعنی مدرن و پست‌مدرن قرار می‌گیرد. در تعابیر معاصر و از جمله پساساختارگرا، نقد یک فرازبان است و هدف آن کشف حقایق نیست بلکه تنها با معتبر بودن سروکار دارد (بارت، ۱۳۹۵: ۵). فراتر از این و در یک تعبیر فلسفی منتسب به فوکو، نقد هنر آن قدرها حکومت نشدن است (فوکو، ۱۳۹۳: ۲۷۴) و آن جنبشی است که سوژه این حق را به خود می‌دهد که حقیقت و قدرت را به پرسش گیرد (همان: ۲۷۵). در گونه‌شناسی منتسب به فردر وگل‌مان (F. Vogelmann)، که تقریباً تمام تعابیر کلاسیک و علمی را دربرمی‌گیرد، نقد به سه دسته تقسیم می‌شود: اندازه‌گیر یا ارزیابی کننده، مختل کننده و رهایی بخش (Vogelmann, 2010: 2). در نقد

اندازه‌گیر که مورد استناد این مقاله است، به داوری و قضاوت براساس معیارها و استانداردهای تعریف شده و مشخص پرداخته می‌شود و بیش از هر چیز دیگری، استانداردها اهمیت می‌یابند.

روش‌شناسی: با اینکه اصطلاحات و واژه‌های هم‌ردیف با روش‌شناسی همچون روش و تکنیک، مشابهت‌های مفهومی با این واژه دارند، ولی درباره معنای روش‌شناسی یا متدلوژی تا حد زیادی اتفاق نظر وجود دارد. نورمن بلیکی (N. Blaikie) روش‌شناسی را بررسی این موضوع می‌داند که پژوهش را چگونه باید به پیش برد و چگونه پیش می‌رود (های، ۱۳۸۵: ۱۰۹).

سی.آر. کوتاری (C.R.Kothari) در اثر خود با عنوان روش‌شناسی پژوهش، در تعریف روش‌شناسی می‌نویسد: «روش‌شناسی تحقیق، روشی است برای حل سیستماتیک مسئله تحقیق. همچنین روش‌شناسی ممکن است به عنوان علم مطالعه اینکه چگونه تحقیق به شکل علمی انجام می‌شود، فهمیده شود. در روش‌شناسی ما گام‌های متنوعی را بررسی می‌کنیم که عموماً توسط پژوهشگر در حل مسئله تحقیق به کار گرفته می‌شود؛ به همراه منطقی که آن را پشتیبانی می‌کند (Kothari, 2004:8).

موتن و ماریاس (J.Mouton and H.Marais) نیز در اثر خود، ضمن برشمردن تمایز روش‌شناسی با معرفت‌شناسی اعتقاد دارند که در روش‌شناسی به چگونگی پژوهش اجتماعی پرداخته می‌شود. ایشان در این باره می‌نویسند: در حالی که ابعاد معرفت‌شناسی به وضعیت گزاره‌های علمی مرتبط می‌شود، ابعاد روش‌شناسی مرتبط با چیزی است که ممکن است به آن «چگونگی» روش علوم اجتماعی اطلاق کرد. به عبارت دیگر پژوهش چگونه طراحی، ساختارمند و اجرا می‌شود تا به طور کامل با معیار علمی همخوانی داشته باشد (Moutin and Marais, 1990:10-11).

دینا وحیانی (D. Wahyuni) هم در تعریف روش‌شناسی می‌نویسد: روش‌شناسی عبارتست از مدل اجرای فرایند تحقیق در چارچوب یک پارادایم خاص (Wahyuni, 2012: 59). محمدتقی ایمان نیز در کتاب خود، به منظور تفکیک روش از روش‌شناسی، نقطه نظرات لاتر، هاردینگ، کوک و فونو را یادآور می‌شود. به نظر این اندیشمندان، روش‌شناسی مدلی است که در آن اصول نظری و چارچوبی که یک تحقیق علمی چگونه باید در یک بستر پارادایمی خاص انجام شود، ارائه می‌شود. از این رو، نباید روش‌شناسی را با روشی که صرفاً به تکنیک‌ها و ابزارهای جمع‌آوری مربوط است، معادل گرفت (ایمان، ۱۳۹۴: ۲۱).

توسعه سیاسی: درباره چیستی توسعه سیاسی، بین صاحب نظران اتفاق نظر وجود ندارد و از زمان شروع مطالعات منسجم در اوایل دهه ۶۰ میلادی، تفاسیر بسیاری از آن به عمل آمده است. در آن زمان توسعه سیاسی مترادف با دگرگونی‌های متأثر از نوسازی و مدرنیزاسیون تلقی می‌شد (برنل و رندال، ۱۳۹۳: ۱۹). در حالی که در برخی از تعابیر اوایل سده حاضر، توسعه سیاسی مترادف با آزادی و برابری است یعنی ایده‌آل و آرمان‌های لیبرالیسم و سوسیالیسم (Kingsbury, 2007: 1). تشتت آراء پیرامون این مفهوم به اندازه‌ای وسعت گرفت که برخی از متفکران اظهار داشتند که توسعه سیاسی نیز همچون سیاست تطبیقی، همه چیز است و هیچ چیز نیست (Johati, 1990: 191). برخی نیز همچون فرد ریگز (F. Riggs) پس از بررسی آراء موجود، به این نتیجه رسید که به جای مناقشه بی پایان بر سر چیستی این مفهوم، بهتر است به تعیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن پرداخت (Riggs, 1981: 334). لذا در اینجا به یکی از گونه‌شناسی‌های جامع که متعلق به هانتینگتون و دامینگز (S. Huntington and J. Dominguez) است، استناد می‌شود. ایشان مطالعات توسعه سیاسی را در چهارگونه به شرح زیر طبقه‌بندی نموده‌اند: ۱. جغرافیایی که به نظام‌های سیاسی کشورهای در حال توسعه اشاره دارد. ۲. استتاجی که توسعه سیاسی را منبعت از فرایند نوگرایی می‌داند. ۳. غایت‌گرا که منظور از آن حرکت به سوی هدف یا اهداف سیستم سیاسی مثل دموکراسی، جامعه مدنی، مشارکت سیاسی، ثبات، مشروعیت، انسجام و... می‌باشد. ۴. کارکردی که منظور از آن حرکت به سوی نوع خاصی از سیستم سیاسی مانند جامعه‌ای که احزاب سیاسی تکامل یافته دارد (هدی، ۱۳۹۰: ۵۴). با صرف نظر از گونه جغرافیایی مذکور، با اینکه این طبقه‌بندی از جامعیت لازم برخوردار است، ولی حرکت دو وجهی توسعه سیاسی را دربر نمی‌گیرد. به زعم هانتینگتون، توسعه سیاسی تنها حرکتی یک‌طرفه و به سمت پیشرفت و تکامل را شامل نمی‌شود بلکه تجربه بسیاری از کشورهای تازه استقلال‌یافته نشان داد که زوال و انحطاط سیاسی نیز می‌تواند جهت دیگری از این فرایند باشد (همان: ۶۳).

علاوه بر این نگاهی به تمام مطالعات انجام شده (بدیع، ۱۳۷۶؛ Hagopian, 2000؛ قوام، ۱۳۷۴) حاکی است که چارچوب و قالب مطالعات توسعه سیاسی در چند بُعد خلاصه می‌شود: رهیافت‌ها، ابعاد، شاخص‌ها، نظریه‌ها و تعاریف. با توجه به تعاریف پیش‌گفته، الگویی که مبنای استخراج متغیرها و تعیین ابزار ارزیابی قرار می‌گیرد به شرح زیر است. با توجه به اینکه در این پژوهش به بررسی کتاب‌ها پرداخته می‌شود، بخشی از این الگو و متغیرهای مأخوذ از آن، به مشخصات کتاب‌شناسی ارتباط پیدا می‌کند.

۴. مبانی نظری

هر تحلیل و دیدگاهی و از جمله تحلیل‌های سیاسی - اجتماعی، به منظور کسب معرفت و گسترش مرزهای دانش صورت می‌گیرد تا پرده از مجهولات بردارد و عوامل دخیل در بروز و ظهور پدیده‌های اجتماعی را مشخص سازد. در فرایند شناخت، بیش از هر چیز، شیوه‌های دستیابی به آن اهمیت می‌یابد و با تغییر و تحول روش‌هاست که گستره معرفت، فزونی می‌یابد. لذا اغراق نیست اگر گفته شود که تاریخ تکامل علم و دانش، داستان تحول روش‌ها و شیوه‌های شناخت است و اگر جز این بود، مرز دانستنی‌های بشر از دوره باستان تاکنون، گسترش نمی‌یافت. آنچه در فلسفه علم مورد مطالعه قرار می‌گیرد، داستان تحول تدریجی شیوه‌های دستیابی به شناخت و معرفت معتبر و قابل اتکاء است. در این روایت، معمولاً روش ارسطویی سرآغاز است و روش‌شناسی فایرabend و به دیدگاه‌های پس از وی ختم می‌شود (چالمرز، ۱۳۸۵). در تمام نظریه‌ها، نقش روش‌شناسی‌ها را در کسب دانش، ظاهراً مفروضه‌ای بدون استدلال در نظر گرفته‌اند که نیازی به تشریح نداشته است. به استثنای فایرabend (P. Feyerabend) که در رد عقلانیت و بی‌حاصل بودن آن، به معیارهای عقلانی و استدلال متوسل می‌شود و به ویژه در کتاب ضدروش خود، به قاعده برهان خلف متوسل می‌شود (مقدم حیدری، ۱۳۹۱: ۱۷۰-۱۵۳). به زعم برخی از نویسندگان، اندیشه فایرabend را باید در کلیت آن و نه جزئی از آن را درک کرد (نقدی، ۱۳۹۵: ۱۱) و لذا برخلاف تصور رایج، نمی‌توان فایرabend را آنارشستی دانست که هیچ قاعده‌ای را بر نمی‌تابد بلکه او با جزم‌گرایی روش‌شناسی‌های پیشین و تبدیل شدن علم به ایدئولوژی مخالفت دارد. بنابر این مکاتب فلسفه علم، علی‌رغم تفاوت در دیدگاه و شیوه‌های دستیابی به معرفت، بر نقش روش‌شناسی‌ها در شناخت تأکید داشته یا آن را به عنوان مفروض در نظر می‌گرفته‌اند.

ضمن توجه به نظریه‌های مذکور، در این مقاله، آنچه بیشتر مورد نیاز است، نظریه‌ای پشتیبان است که به طور مشخص نقش روش‌شناسی‌ها را به معنای چگونگی انجام پژوهش در نوع شناخت و تحلیل‌های مؤلف مشخص سازد؛ اینکه پیروی یا تبعیت نکردن از قواعد روش‌شناسی پژوهش علمی، در دیدگاه‌ها و تحلیل‌های صاحب‌نظران تأثیرگذار است.

در میان نظریه‌های معاصر و شناخته شده، به نظر می‌رسد نظریه لوئی آلتوسر (L. Althusser) ارتباط بیشتری با موضوع این پژوهش دارد و لذا در ادامه خلاصه‌ای از آن ذکر می‌شود.

به نظر آلتوسر، میان فرآیندهای عینی و فرایندهای فکری و نظری، فاصله و گسست کاملی وجود دارد و علم و دانش، کاملاً در حوزه فرایندهای فکری واقع است. کار فکری، از ماده اولیه‌ای آغاز می‌شود و فرایندی تولیدی است که در آن ماده خام مذکور به علم تبدیل می‌شود. هیچ داده خارجی، موضوع علم قرار نمی‌گیرد. زیرا آنچه به عنوان حقایق و امور عینی ظاهر می‌شود، ذاتاً محصول عمل نظری است که تحت شرایط خاص انجام می‌پذیرد. بنابر این، داده‌ها و حقایق وجود ندارد بلکه تولید می‌شود. لذا شناخت محصول کار نظری است و وجه تولیدی دارد. اجزای تأثیرگذار در این کار علمی و شناخت عبارت‌اند از: مواد خام یعنی مفاهیم و اندیشه‌ها، وسایل تولید نظری یعنی پروبلماتیک و چارچوب‌های شناخت و حصول کلی و انضمامی در اندیشه که شناختی از انضمامی واقعی به دست می‌دهد (بشریه، ۱۳۸۷: ۳۰۰-۲۹۹). در نظر آلتوسر، منظور از پروبلماتیک وحدت خاص یک فرماسیون نظری است و به عبارت دیگر، مجموعه سؤالاتی است که حاکم و ناظر به پاسخ‌های داده شده است (همان: ۲۹۷). به تعبیری دیگر، هر پروبلماتیک شبکه‌ای از مفاهیم است که در مطرح ساختن مجموعه خاصی از پرسش‌ها، توانا بوده و پاسخ‌هایی برای آن پرسش‌ها فراهم می‌سازد و بدین ترتیب، پروبلماتیک، امکانیت شناخت است. پروبلماتیک با وجود آنکه امکانیتی برای شناخت فراهم می‌کند، محدودیت شناخت نیز می‌باشد. هر پروبلماتیک به دلیل توانایی در طرح پرسش‌های خاص و پاسخ به آنها، عملاً امکان طرح پرسش‌های دیگر و پاسخ به آنها را از میان می‌برد و به همین دلیل، هر پروبلماتیک در عین امکانیت شناخت، محدودیت شناخت نیز محسوب می‌شود. شناخت‌ها در درون پروبلماتیک‌ها تولید می‌شوند (عباداللهی، ۱۳۸۸: ۲۷۱).

از نظر آلتوسر، کلیدی‌ترین تفاوت علم و ایدئولوژی، در میزان گشودگی در پاسخ‌دهی به پرسش‌های تازه است. در حالی که ایدئولوژی نسبت به پرسش‌های جدیدی که پاسخی برای آنها ندارد، فروبسته است و نسبت به تغییر مقاومت می‌کند، علم نسبت به پرسش‌ها گشوده است و تغییر می‌کند. علم راهی به جزم‌گرایی و تمامیت شناخت ندارد (حیدری و نصیری، ۱۳۹۴: ۳۶ به نقل از آلتوسر و بالیبار، ۱۹۷۰: ۲۶) در توضیح بیشتر مطالب، عباداللهی می‌نویسد: مفهوم پروبلماتیک، هر نوع تصویری از شناخت به مثابه شناخت کامل را به پرسش می‌گیرد و همواره به دنبال بررسی رابطه بین شناخت و مجموعه خاصی از پرسش‌های نظری است. این مفهوم به ما می‌آموزد که هر شبکه‌ای از مفاهیم یا پروبلماتیک، نوع خاصی از شناخت را تولید و در همان زمان، مانع تولید

اشکال دیگر شناخت می‌شود. این مفهوم، بستگی دانش به ساختارهای شکل‌دهنده‌اش را به نمایش می‌گذارد. وی تأکید می‌کند که پروبلماتیک حاکم بر یک نوشتار یا یک نظریه است و نحوه بیان واقعیت را معین می‌کند (عبداللهی، ۱۳۸۸: ۲۷۱).

۵. روش تحقیق

در این تحقیق از روش مرور سیستماتیک (Systematic Review) استفاده شده است. این روش در زمره تحقیقات مروری قرار می‌گیرد. منظور از تحقیق مروری مطالعه جامع و تفسیر متونی است که با موضوع خاصی مرتبط هستند (آویارد، ۱۳۹۰: ۲۱). بنیاد کوکران پژوهش سیستماتیک را اینگونه تعریف می‌کند: «بررسی یک سؤال کاملاً فرموله شده که از روش‌های سیستماتیک و صریح برای شناسایی، انتخاب و ارزیابی منتقدانه تحقیقات مرتبط و جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها از مطالعاتی که در پژوهش گنجانده شده استفاده می‌کند.» (Baloyi and Jordan, 2016: 122). درخصوص موارد کارکرد این روش نیز موارد زیر برشمرده شده است:

۱. بمباران اطلاعات، ۲. مطالعات ضعیف توأم با سوگیری و حجم کم نمونه، ۳. تناقضات موجود در نتایج مطالعات، ۴. مطالعات تکراری و غیرلازم (حجازی‌زاده، ۱۳۸۷: ۷). با مرور اجمالی مطالعات صورت گرفته درباره توسعه سیاسی ایران، مناسب‌ترین روش بررسی، مرور سیستماتیک می‌باشد که می‌تواند تصویر کلی از کم و کیف بررسی‌های انجام شده به دست دهد. هر یک از کتاب‌ها نیز به عنوان واحد تحلیل این بررسی در نظر گرفته شده است.

۵-۱. جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق، تمام کتاب‌هایی است که پس از انقلاب اسلامی درباره توسعه سیاسی ایران به رشته تحریر درآمده‌اند و با توجه به هدف تحقیق، نمونه‌گیری انجام نشده و حجم نمونه برابر با جامعه آماری تحقیق است. گفتنی است که در این زمینه تاکنون کتاب‌شناسی تهیه نشده است و فهرست جامعی از کتاب‌ها در دست نیست. به همین دلیل جامعه آماری این پژوهش با جستجوی نسبتاً طولانی و پیگیر نگارندگان پژوهش حاصل شد که ۱۴۵ اثر می‌باشد. البته نمی‌توان به طور قطع ادعا کرد که جامعه آماری کامل است و نمی‌توان اثر دیگری را شناسایی کرد. با توجه به ظرف زمانی انجام رساله‌ای که مقاله حاضر از آن به دست آمده است، تعداد مکتوبات پیشگفته با مراجعه

به کتابخانه‌های معتبر و پرس‌وجوهای بسیار از اهل فن، شناسایی و بررسی شده‌اند. (جامعه آماری در پیوست مقاله ارائه شده است).

۵-۲. تکنیک جمع‌آوری و پردازش اطلاعات

به منظور دسته‌بندی و شناسایی مطالعات انجام شده، از ابزار و دستورالعمل ارزیابی استفاده شد که متغیرها و شاخص‌های این دستورالعمل، از چارچوب نظری و مفهومی ارائه شده در صفحات پیشین به دست آمد. هر یک از کتاب‌ها، بازخوانی شده و براساس دستورالعمل ارزیابی، کد مقوله و متغیر مرتبط با محتوای هر کتاب، در برگه‌های کدگذاری وارد می‌شد. پس از پایان مرحله کدگذاری، اطلاعات به دست آمده وارد کامپیوتر شده و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS پردازش شد. حاصل آن جداول توزیع فراوانی است که در قسمت یافته‌های تحقیق درج شده است. به منظور پرهیز از تحمیل مقوله‌های مندرج در ابزار ارزیابی به کتاب‌های بررسی شده، این ابزار بسته نبود و با برخورد به مقوله‌های جدید، این مقوله‌ها در دستورالعمل ارزیابی یادداشت می‌شدند. بر این اساس می‌توان گفت طرح بررسی حاضر از نوع قیاسی - استقرایی بوده است.

۵-۳. روایی و پایایی

به منظور سنجش روایی، در تحقیق حاضر از روایی صوری استفاده شده است. بدین معنی که دستورالعمل یا ابزار ارزیابی به چند تن از استادان علوم سیاسی و نیز پژوهشگران ارشد علوم اجتماعی ارائه شد و نکات و پیشنهادات اصلاحی ایشان، در دستورالعمل، گنجانده شد. در تعیین پایایی پژوهش نیز از ضریب اسکات استفاده شده است. از ضریب اسکات در تعیین قابلیت اعتماد و در واقع میزان عینیت در فرایند جمع‌آوری اطلاعات استفاده می‌شود (بدیعی، ۱۳۷۵: ۳۱-۲۵). حداقل ضریب قابلیت اعتماد باید رقم ۷۰٪ باشد. در این پژوهش رقم حاصل از محاسبه با فرمول اسکات، رقم ۹۵٪ بوده است که گردآوری اطلاعات این تحقیق را قابل اعتماد می‌سازد.

۶. یافته‌های تحقیق

۶-۱. قالب نوشتاری آثار

جدول شماره ۱ قالب نوشتاری کتاب‌های مورد بررسی را نشان می‌دهد. بر این اساس ۸۰/۷ درصد کتاب‌ها، قالب یک کتاب را داشته‌اند و مابقی آثار (۱۹/۳ درصد) به صورت

مجموعه مقالات به چاپ رسیده‌اند. نوع مجموعه مقالات در جدول زیر مندرج است.

جدول شماره ۱. توزیع فراوانی و درصد قالب نوشتاری آثار

درصد	فراوانی	قالب اثر
۸۰/۷	۱۱۷	کتاب قالب یک کتاب را دارد (مجموعه مقالات نیست).
۱۰/۳	۱۵	کتاب مجموعه مقالات ژورنالیستی و یا حاصل نشست صاحب‌نظران است.
۶/۲	۹	کتاب مجموعه مقالاتی است که نوع آن مشخص نشده است.
۲/۸	۴	کتاب مجموعه مقالات پژوهشی است.
۱۰۰	۱۴۵	جمع

در جدول شماره ۲ هم سال انتشار کتاب‌ها در چهار دوره زمانی مقوله‌بندی شده است. بر این اساس ۵۳/۸ درصد کتاب‌ها در سال‌های ۷۶ تا ۸۵، ۳۸/۶ درصد در سال‌های ۸۶ تا ۹۶، ۵/۵ درصد در سال‌های ۶۶ تا ۷۵ و ۲/۱ درصد نیز در سال‌های ۵۸ تا ۶۵ منتشر شده‌اند.

جدول شماره ۲. توزیع فراوانی و درصد دوره زمانی انتشار کتاب‌ها

درصد	فراوانی	دوره زمانی
۲/۱	۳	از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۵
۵/۵	۸	از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۵
۵۳/۸	۷۸	از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵
۳۸/۶	۵۶	از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶
۱۰۰	۱۴۵	جمع

۲-۶. وجوه مثبت و منفی توسعه سیاسی

جدول شماره ۳ وجوه مثبت و منفی توسعه سیاسی را در کتاب‌های مورد بررسی نشان می‌دهد. بر این اساس در ۷۶/۶ درصد کتاب‌ها، ویژگی‌های منفی توسعه سیاسی یا عوامل زوال و انحطاط سیاسی ایران بررسی شده و در ۲۳/۴ درصد، به بررسی ویژگی‌های مثبت توسعه سیاسی پرداخته شده است.

جدول شماره ۳. توزیع فراوانی و درصد وجوه مثبت و منفی توسعه سیاسی ایران

مقوله‌ها	فراوانی	درصد
ویژگی‌ها و وجوه مثبت توسعه سیاسی	۳۴	۲۳/۴
ویژگی‌ها و وجوه منفی توسعه سیاسی (عوامل مرتبط با توسعه نیافتگی و زوال سیاسی ایران)	۱۱۱	۷۶/۶
جمع	۱۴۵	۱۰۰

۳-۶. رهیافت‌های توسعه سیاسی

جدول شماره ۴ رهیافت‌های مطالعاتی در کتاب‌های مورد بررسی را نشان می‌دهد. بر این اساس در ۱۰/۳ درصد رهیافت وابستگی و جهانی شدن، در ۱۷/۶ درصد مدرنیزاسیون و در ۶/۹ درصد دموکراتیزاسیون بوده است. ۶۱/۴ درصد کتاب‌ها ارتباطی با رهیافت‌های شناخته شده توسعه سیاسی نداشته‌اند.

جدول شماره ۴. توزیع فراوانی و درصد رهیافت‌های کتاب‌های مورد بررسی

رهیافت‌ها	فراوانی	درصد
ساختارگرایی، کارکردی (سیستمی)	۷	۴/۸
مدرنیزاسیون	۱۸	۱۲/۴
غایت‌شناسانه (دموکراتیزاسیون)	۱۷	۱۱/۷
مطالعات تاریخی	۱۶	۱۱
بدون ارتباط با رهیافت‌ها	۸۱	۵۵/۹
وابستگی و جهانی شدن	۵	۳/۴
ترکیبی از رهیافت‌ها	۱	۰/۷
حکمرانی خوب	۰	۰
جمع	۱۴۵	۱۰۰

۴-۶. طبقه‌بندی آکادمیک نظریه مورد استفاده در کتاب‌ها

جدول شماره ۵ طبقه‌بندی آکادمیک نظریه‌های مورد استفاده در کتاب‌ها را نشان می‌دهد. بر این اساس در ۱۶/۲ درصد از کتاب‌ها از نظریات جامعه‌شناسی سیاسی، در ۹/۴ درصد از نظریات سیاست تطبیقی و توسعه سیاسی و در ۶ درصد از نظریات

جامعه‌شناسی استفاده شده است. در ۱۴/۵ درصد کتاب‌ها نیز این طبقه‌بندی ذکر نشده است.

جدول شماره ۵. توزیع فراوانی و درصد طبقه‌بندی آکادمیک نظریه‌های مورد استفاده

مقوله‌ها	فراوانی	درصد
سیاست تطبیقی و توسعه سیاسی	۱۱	۹/۴
جامعه‌شناسی سیاسی	۱۹	۱۶/۲
جامعه‌شناسی	۷	۶
اقتصاد سیاسی	۶	۵/۱
ترکیبی	۱۱	۹/۴
بیان نشده است	۱۷	۱۴/۵
بدون استفاده از نظریات	۴۶	۳۹/۴
جمع	۱۱۷	۱۰۰

۵-۶. سطح تحلیل یا دیدگاه مندرج در کتاب

در جدول شماره ۶ سطح تحلیل دیدگاه مندرج در کتاب ارائه شده است. بر این اساس در ۴۴/۵ درصد کتاب‌ها، سطح تحلیل کلان بوده یعنی محدود به دوره زمانی خاصی نبوده است و در ۳۰ درصد آثار نیز از سطح تحلیل خرد - کلان استفاده شده است یعنی دیدگاه مؤلف محدود به دوره زمانی خاصی است، ولی به تحلیل کلان نیز پرداخته شده است. در ۲۵/۵ درصد آثار نیز از سطح خرد استفاده شده یعنی تحلیل کتاب محدود به مقطع زمانی خاصی است. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که تقریباً تمام کتاب‌ها واجد دیدگاهی خاص بوده‌اند و با توجه به تنوع تحلیل‌ها، امکان ادغام و ترکیب آنها وجود نداشته است.^۱

جدول شماره ۶. توزیع فراوانی و درصد سطح تحلیل دیدگاه مندرج در کتاب

مقوله‌ها	فراوانی	درصد
دیدگاه کلان: محدود به مقطع زمانی خاصی نیست و به طور کلی به تحلیل ابعاد و شاخص‌های توسعه یافتگی یا توسعه نیافتگی سیاسی ایران می‌پردازد	۴۹	۴۴/۵
دیدگاه خرد: تحلیل مندرج کتاب محدود به مقطع زمانی خاصی است	۲۸	۲۵/۵
دیدگاه خرد - کلان: محدود به مقطع زمانی خاصی از تاریخ ایران است ولی به تحلیل کلی و کلان پرداخته است	۳۳	۳۰
جمع	۱۱۰*	۱۰۰

۶-۶. نوع روش‌شناسی

در جدول شماره ۷ روش‌شناسی کتاب‌های مورد بررسی را نشان می‌دهد. بر این اساس، روش‌شناسی ۹۴ درصد کتاب‌ها، اثبات‌گرایی و ۴/۳ درصد کتاب‌ها روش‌شناسی تفسیری کاربرد داشته است. در این جدول، روش‌شناسی مترادف با پارادایم گرفته شده است. جدول شماره ۸ نیز نوع روش‌های مورد استفاده را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۷. توزیع فراوانی و درصد نوع روش‌شناسی در کتاب‌های مورد بررسی

درصد	فراوانی	مقوله‌ها
۹۴	۱۱۰	روش‌شناسی اثبات‌گرایی
۱/۷	۲	ترکیبی
۴/۳	۵	روش‌شناسی تفسیری (کیفی)
۱۰۰	۱۱۷	جمع

جدول شماره ۸. توزیع فراوانی و درصد گستره موضوعی کتاب‌های مورد بررسی

درصد	فراوانی	مقوله‌ها
۶/۸	۸	روش‌های کمی
۸/۵	۱۰	تاریخی - توصیفی
۵۳	۶۳	تاریخی - تجربی
۱/۷	۲	روش ترکیبی
۲۰/۵	۲۴	توصیفی - تحلیلی
۵/۲	۶	تحلیلی - تجربی
۱/۷	۲	تحلیل گفتمان
۲/۶	۳	سایر*
۱۰۰	۱۱۷	جمع

۶-۷. همخوانی روش تحقیق با اجرای آن

در جدول شماره ۹ همخوانی روش تحقیق را با اجرای آن در کتاب‌های مورد بررسی نشان می‌دهد. بر این اساس در ۶۶/۱ درصد کتاب‌ها، روش تحقیق بیان نشده است. در ۱۸/۸ درصد کتاب‌ها اجرای تحقیق با روش بیان شده همخوانی نداشته و در ۱۴/۵ درصد همخوانی داشته است.

جدول شماره ۹. توزیع فراوانی و درصد همخوانی روش تحقیق با اجرای آن

درصد	فراوانی	مقوله‌ها
۱۸/۸	۲۲	اجرای تحقیق با روش بیان شده همخوانی ندارد
۶۶/۷	۷۸	روش بیان نشده است
۱۴/۵	۱۷	اجرای تحقیق با روش بیان شده، همخوانی دارد
۱۰۰	۱۱۷	جمع

۶-۸. شیوه دستیابی به یافته‌های مطالعه

در جدول شماره ۱۰ شیوه‌های دستیابی به یافته‌های مطالعه ارائه شده است. یافته‌ها حاکی است که در ۳۸/۵ درصد آثار، از یافته‌های مطالعات دیگر استفاده شده و در ۲۳/۹ درصد، تحلیل‌ها و دیدگاه‌های اولیه نویسنده تکرار شده است. در ۱۸/۸ درصد آثار نیز تمام مفاهیم، متغیرها و شاخص‌های مرتبط شناسایی، تعریف و در استخراج یافته‌ها کاربرد داشته است. در ۱۵/۴ درصد کتاب‌ها نیز بدون تعریف مشخصی از متغیرها و شاخص‌ها، به تولید یافته پرداخته شده است.

جدول شماره ۱۰. توزیع فراوانی و درصد شیوه دستیابی به یافته‌های مطالعه در کتاب‌ها

درصد	فراوانی	مقوله‌ها
۱۸/۸	۲۲	تمام مفاهیم، متغیرها و شاخص‌های مرتبط شناسایی، تعریف و در استخراج یافته‌ها (کمی و کیفی) به کار رفته است
۳۸/۵	۴۵	از یافته‌های مطالعات دیگر استفاده شده است
۲۳/۹	۲۸	در بخش یافته‌ها، تحلیل‌ها و دیدگاه‌های اولیه نویسنده تکرار شده است (نه تولید یافته صورت گرفته و نه از یافته‌های مطالعات دیگر استفاده شده است)
۱۵/۴	۱۸	بدون تعریف مشخصی از متغیرها و شاخص‌ها، به تولید یافته پرداخته شده است
۱/۷	۲	بخشی از متغیرها در استخراج یافته‌ها کاربرد داشته و به تعدادی از متغیرها توجه نشده است
۱/۷	۲	سایر*
۱۰۰	۱۱۷	جمع

۶-۹. امتیاز روش‌شناسی کتاب‌ها

به منظور دستیابی به تصویر کلی از وضعیت کتاب‌ها، به جمع امتیازات متغیرهای مرتبط با روش‌شناسی پرداخته شد. بدین صورت که از میان متغیرهای پیشگفته، ۲۰ متغیر شاخص و مهم که مقولات آنها قابل جمع زدن بوده‌اند، انتخاب شد. به مقوله‌های هر متغیر حداکثر امتیازی از ۰ تا ۲ داده شد. امتیاز صفر نبود مقوله، امتیاز دو وجود کامل مقوله و امتیاز یک، حالتی بین صفر و دو را نشان می‌دهد. جمع حداکثر امتیازات مرتبط با متغیرهای روش‌شناسی برای هر کتاب برابر با ۳۲ امتیاز بوده است.

بر اساس یافته‌های حاصل از تجمیع متغیرهای روش‌شناسی (جدول شماره ۱۱)، امتیاز کتاب‌های مورد بررسی از ۹ تا ۸۴ درصد بوده است. به منظور رده‌بندی کتاب‌ها و نیز استفاده از این متغیر در ارتباط با سایر متغیرها، به تجمیع درصدها در سه سطح (امتیاز پایین، امتیاز متوسط و امتیاز بالا) پرداخته شد. از حاصل تفاضل بیشترین و کمترین درصد، رقم ۷۵ به دست آمد و با تقسیم این رقم به سه سطح روش‌شناسی، عدد ۲۵ حاصل شد. یعنی فاصله بین سه سطح روش‌شناسی، باید ۲۵ باشد. بر این اساس، مقوله‌های جدول زیر حاصل شد. یافته‌ها حاکی است که ۵۵/۶ درصد کتاب‌ها، به لحاظ روش‌شناسی، دارای امتیاز سطح پایین، ۳۷/۶ درصد امتیاز سطح متوسط و ۶/۸ درصد (۸ کتاب) امتیاز سطح بالا بوده‌اند. جدول شماره ۱۲ هم کتاب‌های دارای امتیاز سطح بالا را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۱. توزیع فراوانی و درصد سطح امتیاز روش‌شناسی کتاب‌ها

مقوله‌ها	فراوانی	درصد
از ۹ تا ۳۴ درصد (پایین)	۶۵	۵۵/۶
از ۳۵ تا ۶۰ درصد (متوسط)	۴۴	۳۷/۶
از ۶۱ تا ۸۴ درصد (بالا)	۸	۶/۸
جمع	۱۱۷	۱۰۰

جدول شماره ۱۲. توزیع فراوانی و درصد امتیازات به تفکیک کتاب‌ها

درصد	امتیاز	نام کتاب‌ها
۸۴/۴	۲۷	ایران بین دو انقلاب
۷۸/۱	۲۵	جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی
۷۱/۹	۲۳	مقاومت شکننده
۷۱/۹	۲۳	بنیان‌های ساختاری تحکیم دموکراسی تجربه دموکراسی در ایران، ترکیه و کره جنوبی
۷۱/۹	۲۳	دموکراتیزاسیون در ایران
۶۸/۸	۲۲	راه دراز گذار
۶۲/۵	۲۰	کشاکش دموکراسی و امنیت ملی در ایران
۶۲/۵	۲۰	موانع توسعه سیاسی در ایران

۶-۱۰. نوع آثار و سطح امتیاز روش‌شناسی

جدول شماره ۱۴ تقاطع متغیرهای نوع آثار و سطح امتیاز روش‌شناسی را نشان می‌دهد. بر این اساس ۷۸/۵ درصد آثار سطح پایین، ۴۰/۹ درصد آثار متوسط و ۲۵ درصد (۲ مورد) آثار سطح بالا، نوع اثر نامشخص بوده است و به این ترتیب از آثار ضعیف به آثار قوی، میزان آثار نامشخص کاهش یافته است. همچنین ۷/۷ درصد آثار با امتیاز سطح پایین، ۱۸/۲ درصد آثار متوسط و ۶۲/۵ درصد (۵ مورد) آثار سطح بالا، حاصل و نتیجه رساله دکتری مؤلف بوده است و با این وصف، از آثار ضعیف به آثار قوی، میزان آثاری که قبلاً در قالب رساله دکتری منتشر شده‌اند، افزایش یافته است. آزمون وی کرامر مؤید شدت رابطه بین دو متغیر است.

جدول شماره ۱۴. توزیع متقاطع نوع آثار و سطح امتیاز روش‌شناسی

سطح روش‌شناسی نوع آثار		امتیاز پایین		امتیاز متوسط		امتیاز بالا		کل
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
حاصل و نتیجه رساله دکتری مولف است	۵	۷/۷	۸	۱۸/۲	۵	۶۲/۵	۱۸	۱۵/۴
حاصل تلاش و علاقه مؤلف یا سال‌های تدریس و فعالیت دانشگاهی وی بوده است	۳	۴/۶	۱۰	۲۲/۷	۱	۱۲/۵	۱۴	۱۲
نتیجه انجام تحقیق در مؤسسات پژوهشی داخلی، تحقیق پژوهشگران خارجی و یا تز فوق‌لیسانس مؤلف است	۶	۹/۲	۸	۱۸/۲	۰	۰	۱۴	۱۲
نوع اثر مشخص نشده است	۵۱	۷۸/۵	۱۸	۴۰/۹	۲	۲۵	۷۱	۶۰/۷
جمع و درصد	۶۵	۱۰۰	۴۴	۱۰۰	۸	۱۰۰	۱۱۷	۱۰۰

$$V=۰/۳۷۱$$

$$\text{sig}=۰/۰۰۰$$

۶-۱۱. شهرت مؤلف و سطح امتیاز روش‌شناسی

جدول شماره ۱۵ تقاطع متغیرهای شهرت مؤلف و سطح امتیازات حاصل از متغیرهای روش‌شناسی را نشان می‌دهد. بر این اساس ۳۵/۴ درصد آثار سطح پایین، ۶۱/۴ درصد آثار متوسط و ۷۵ درصد (۶ مورد) آثار سطح بالا، توسط مؤلفین مشهور و شناخته شده و اعضای هیئت علمی نوشته شده است و به این ترتیب از آثار ضعیف به آثار قوی، میزان آثاری که توسط مؤلفین مشهور و صاحب‌نظر نوشته شده، افزایش یافته است. همچنین ۶۱/۵ درصد آثار با امتیاز پایین، ۳۱/۸ درصد متوسط و ۲۵ درصد آثار سطح بالا، توسط مؤلفین گمنام به رشته تحریر درآمده است و با این وصف از آثار سطح پایین به آثار سطح بالا، تعداد آثاری که توسط مؤلفین گمنام نوشته شده است، کاهش می‌یابد. آزمون وی کرامر هم شدت این رابطه را تأیید می‌کند.

جدول شماره ۱۵. توزیع متقاطع تعداد منابع مورد استفاده و سطح امتیاز روش‌شناسی

امتیاز روش‌شناسی		امتیاز پایین		امتیاز متوسط		امتیاز بالا		کل
شهرت مؤلف	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
مؤلف مشهور و شناخته شده، صاحب‌نظر در علوم سیاسی - اجتماعی و از اعضای هیئت علمی است	۲۳	۳۵/۴	۲۷	۶۱/۴	۶	۷۵	۵۶	۴۷/۹
مؤلف گمنام است	۴۰	۶۱/۵	۱۴	۳۱/۸	۲	۲۵	۵۶	۴۷/۹
مؤلف فعال سیاسی - اجتماعی، روشنفکر و یا از نخبگان سیاسی است	۲	۳/۱	۳	۶/۸	۰	۰	۵	۴/۲
جمع و درصد	۶۵	۱۰۰	۴۴	۱۰۰	۸	۱۰۰	۱۱۷	۱۰۰

$$V=۰/۲۲۷$$

$$sig=۰/۰۱$$

۷. نتیجه‌گیری

در دهه‌های اخیر، کتاب‌های بسیاری درباره فرایند توسعه سیاسی ایران به رشته تحریر درآمده است و صاحب‌نظران ایرانی و خارجی، تحلیل‌های متنوع و بعضاً متناقضی از عوامل توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران، به عمل آورده‌اند. از آنجا که تاکنون مطالعه روشمندی درباره این آثار به انجام نرسیده، تصویر روشنی از کمیت و کیفیت آن در دست نیست و نقدهای انجام شده نیز به تشتت آراء بیشتر منجر شده‌اند. با توجه به اینکه غالب مکتوبات مسئله‌محور بوده و جنبه پژوهشی دارد، در مقاله حاضر که برگرفته از پایان‌نامه دکتری است، به نقد چگونگی انجام مطالعات و در واقع نقد روش‌شناختی آثار پرداخته شده است. در گام نخست، با توجه به نبود اطلاعات لازم، به گونه‌شناسی آثار پرداخته شد. نتایج حاکی از آن است که تقریباً یک پنجم کتاب‌ها در قالب مجموعه مقالات به چاپ رسیده و از این تعداد، تقریباً ۳۳ درصد آن علمی - پژوهشی بوده‌اند و مابقی مقالات، ژورنالیستی یا نوع آن مشخص نبوده است. بررسی دوره زمانی انتشار آثار هم نشان می‌دهد بیش از نیمی از کتاب‌ها در سال‌های ۷۶ تا ۸۵ منتشر شده و با اینکه در دوره بعد هم ادامه یافته، ولی میزان آن به سال‌های موسوم به دوره اصلاحات نمی‌رسد. در دو دهه

گذشته، اندیشمندان ایرانی و خارجی سعی داشته‌اند با بهره‌گیری از تمام رهیافت‌های کلان، ابعاد، شاخص‌ها و به طور کلی، تمام گستره معنایی که در نمونه غربی و کلاسیک آن، طی بیش از هفت دهه حاصل شده است، به تحلیل تحولات سیاسی - اجتماعی ایران بپردازند. این امر حاصلی جز کثرت و تنوع دیدگاه‌ها را در پی نداشته است و گونه‌شناسی حاضر نشان می‌دهد که غالب آثار (۱۱۰ کتاب از ۱۱۷ کتاب بررسی شده) با سطوح تحلیل متفاوت، تحلیل خاص خود را داشته‌اند.

براساس بخش دیگری از یافته‌های پژوهش حاضر، با اینکه بیش از دو سوم (۷۶/۶ درصد) آثار، علل و ریشه‌های توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران را بررسی کرده‌اند و در واقع مسئله و نقطه عزیمت یکسانی داشته‌اند، ولی به تحلیل‌ها و دیدگاه‌های کاملاً متفاوت و بعضاً متناقض رسیده‌اند. به حدی که نمی‌توان به ادغام و تجمیع آن در مقوله‌های کلی‌تر پرداخت. استبداد و اقتدارگرایی، مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی، مدرنیته ناقص و شکاف بین سنت‌گرایی و تجددطلبی، منازعات و ناکارآمدی نخبگان سیاسی، تسلط استعمار، دین‌خویی ایرانیان، عدم توازن بین نوسازی اقتصادی و سیاسی، دور تخریبی بحران، اصلاحات، ضعف حکومت و بحران، تضاد بین جامعه رسمی و غیررسمی و... از جمله مهم‌ترین عوامل توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران برشمرده شده است.

ممکن است اتخاذ رهیافت‌های کلان مطالعاتی، عامل اصلی این ناهمسانی قلمداد شود. در حالی که مطالعه حاضر نشان داد که تقریباً ۶۰ درصد کتاب‌های بررسی شده، ارتباطی با رهیافت‌ها نداشته‌اند. و یا ممکن است این تنوع را با کاربرد دیدگاه‌های نظری متفاوت مرتبط دانست. در حالی که گونه‌شناسی حاضر نشان می‌دهد که بیش از نیمی از مطالعات از نظریه‌ها استفاده نکرده‌اند. مطالعاتی هم که به بستر نظری مشخصی داشته‌اند، عمدتاً (بیش از سه چهارم) در عملیاتی کردن نظریه‌ها، موفق نبوده‌اند.

همان‌طور که مشخص است بحث از عوامل پیشگفته فراتر از چارچوب مفاهیم و مؤلفه‌های توسعه سیاسی است و مباحث را خواه‌ناخواه، به قواعد روش‌شناسی سوق می‌دهد. به عبارت دیگر، عدم پایبندی به مقتضیات رهیافت‌ها و دیدگاه‌های کلان مطالعاتی، نبود نظریه‌ای مشخص و عملیاتی نشدن مبانی نظری، بیش از اینکه مفهومی و نظری باشد، جنبه روش‌شناسی دارد و از چگونگی اجرای مطالعه نشأت می‌گیرد.^۲

یافته‌های این تحقیق گویای آن است که در بیشتر کتاب‌های بررسی شده، قواعد روش‌شناسی رعایت نشده است. به طور کلی تقریباً تمام آثار بررسی شده، در قالب روش‌شناسی اثبات‌گرایی جای می‌گیرند و در این پارادایم، تبیین و پاسخ به چرایی

شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی و در واقع تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته، اهمیت می‌یابد. در این راستا و براساس رویکردی عمدتاً قیاسی - استقرایی، متغیرها از مدل نظری که برگرفته از مبانی نظری است، استخراج شده و براساس آن به جستجوی یافته‌ها پرداخته می‌شود. پیش از آن، تعریف عملیاتی متغیرها و تعیین شاخص‌های آن انجام می‌شود تا مطالعه از کلی‌گویی و ماندن در نظریه‌ها، برحذر باشد. ضمن اینکه اعتبار ابزار و شاخص اندازه‌گیری، تعیین می‌شود. در فرایند جمع‌آوری اطلاعات، شواهد و در واقع جامعه آماری باید از کفایت لازم برخوردار باشد و مطالعه به استقراء ناقص دچار نشود. نهایتاً و پس از رعایت تمام این قواعد، وقتی دیدگاه و نظریه‌ای حاصل شد، نمی‌توان با آن برخوردی ایدئولوژیک داشت و آن را همچون حقیقتی مطلق به حساب آورد بلکه باید به اصل ابطال‌گرایی پایبند بود و اعلام کرد دیدگاه و تحلیل جدید تا زمانی اعتبار دارد که سایر شواهد و دیدگاه‌ها آن را نقض نکنند.

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که تقریباً در ۱۵ درصد کتاب‌ها، مطالعه انجام شده با روش اجرای آن همخوانی داشته و در سایر آثار یا روش ذکر نشده و یا مطالعه صورت گرفته با روش آن همخوانی نداشته است. شیوه دستیابی به یافته‌ها نیز نشان می‌دهد تقریباً در یک پنجم آثار، با رعایت قواعد علمی به تولید یافته پرداخته شده و در سایر آثار یا از یافته‌های سایر مطالعات استفاده شده و یا در تمام کتاب به تکرار دیدگاه نویسنده پرداخته شده است. با صرف‌نظر از ذکر سایر نتایج مرتبط با مؤلفه‌های روش‌شناسی، تجمیع امتیاز حاصل از متغیرهای روش‌شناسی نیز گویای این است که کمتر از ۱۰ درصد کتاب‌ها، از امتیاز بالایی برخوردارند و مابقی کتاب‌ها، امتیاز پایین و متوسط داشته‌اند. در همین رابطه از تعداد ۱۱۷ کتاب، تنها تعداد ۱۶ کتاب امتیاز بالای ۵۰ درصد را کسب کرده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که در میان عوامل تأثیرگذار، نقش رعایت یا رعایت نشدن قواعد روش‌شناسی در ناهمگونی تحلیل‌ها از توسعه سیاسی ایران، پررنگ‌تر و برجسته‌تر است و در واقع مهم‌ترین نقش را داشته است. در تأیید این دیدگاه، بخش دیگری از یافته‌های تحقیق نشان داد که بیشتر آثاری که امتیاز روش‌شناسی بالایی داشته‌اند، توسط صاحب‌نظران علوم سیاسی - اجتماعی و اعضا هیئت علمی نوشته شده‌اند و بخش قابل توجهی از این آثار، قبلاً در قالب پایان‌نامه دکتری، به رشته تحریر درآمده‌اند.

بر این اساس می‌توان گفت یافته‌های تحقیق، مؤید نظریه پروپلماتیک آلتوسر است. شناخت پروپلماتیک آلتوسر به ما می‌آموزد که هر شبکه‌ای از مفاهیم یا پروپلماتیک،

نوع خاصی از شناخت را تولید و در همان زمان، مانع تولید اشکال دیگر شناخت می‌شود. این مفهوم، بستگی دانش به ساختارهای شکل دهنده‌اش را به نمایش می‌گذارد. آلتوسر تأکید می‌کند که پروبلماتیک، حاکم بر یک نوشتار یا یک نظریه است و نحوه بیان واقعیت را معین می‌کند.

گرچه پروبلماتیک آلتوسر و تأثیر آن بر شناخت با رعایت نشدن قواعد روش‌شناسی که لازمه شناخت علمی است، کاملاً همخوانی ندارد ولی در کلیات و بویژه در تمایز علم و شناخت غیرعلمی همسانی بسیاری دارند. آلتوسر در تمایز بین علم و ایدئولوژی می‌گوید الگوی نظری تولید علم با الگوی نظری تولید ایدئولوژی تفاوت دارد. صورت‌بندی یک مسئله صرفاً بیان نظری وضعیتی است که باعث می‌شود یک راه‌حل، بیرون از فرایند دانش، تولید شود. چرا که این راه‌حل از جانب مطالعات و نحله‌هایی فرانظری (برای مثال منافع دینی، اخلاقی، سیاسی و غیره) تحمیل می‌شود و بدین ترتیب به عنوان مسائلی ساختگی مطرح می‌شود تا به ایدئولوژی به عنوان یک آینه نظری و یک تصدیق به ظاهر علمی خدمت کند. از نظر آلتوسر، کلیدی‌ترین تفاوت علم و ایدئولوژی، در میزان گشودگی پاسخ‌دهی به پرسش‌های تازه است. در حالی که ایدئولوژی نسبت به پرسش‌های جدیدی که پاسخی برای آنها ندارد، فروبسته است و نسبت به تغییر مقاومت می‌کند، علم نسبت به این پرسش‌ها گشوده است و تغییر می‌کند. در واقع آنچه آلتوسر به عنوان گشودگی علم مطرح می‌کند، با ابطال‌پذیری نظریه‌های علمی همخوانی دارد که یکی از معیارهای مهم در رعایت قواعد روش‌شناسی پژوهش علمی است.

پی‌نوشت

۱. برخی از تحلیل‌ها بدین شرح است: فرهنگ سیاسی ایران، نتیجه ساختارهای سیاسی - اقتصادی گذشته و واجد مؤلفه‌های منفی (بی‌اعتمادی، روش حذف و تخریب، نبود شایسته‌سالاری و...) است؛ فقدان فردیت و فقدان نهادینگی، مانع پذیرش ارزش‌های عصر روشنگری در عرصه سیاسی ایران شده است؛ علت عقب‌ماندگی اقتصادی - سیاسی ایران، شیوه تولید مستعمراتی است؛ انحطاط فرهنگی ایران، ناشی از دین‌خویی و مالاً ناپرسایی فرهنگی ایرانیان بوده است؛ عامل اصلی انحطاط ایران، استبداد و خودگامگی است؛ ایران را نمی‌توان جامعه‌ای کلنگی دانست بلکه ایران نوعی ناجامعه است که منطبق تحولات آن به شدت با تغییرات در مقیاس جهانی گره خورده است؛ کم‌آبی و لزوم ایجاد تأسیسات برای توزیع و نگهداشت منابع آبی از یک طرف و ناامنی حاصل از هجوم قبایل بیابانگرد از

سوی دیگر، ریشه استبداد در ایران است؛ استعمار با ایجاد تضاد بین جامعه غیررسمی و جامعه رسمی، در طول قرن‌ها به اهداف خود دست یافته است و پس از انقلاب اسلامی و اتحاد جامعه غیررسمی و رسمی، در پی استحاله فرهنگی برآمده است.

* مبنای درصدگیری رقم ۱۱۰ یعنی تعداد کل کتاب‌های بررسی شده، بدون کتاب‌هایی (۷ کتاب) است که فاقد دیدگاه و نظریه مشخصی بوده‌اند.

* سایر شامل «جدی گرفتن ایده‌ها، گفتمان‌ها و تصورات فرهنگی» بیان شده، «مفهوم تاریخی نظری» بیان شده و «روش نوتاریخ‌گرایی» بیان شده است.

* سایر شامل: به تولید یافته پرداخته شده ولی ترکیب مناسبی از یافته‌های چندروش انجام نشده است، بین متغیرها و مبانی نظری این روش (تحلیل محتوا) همخوانی وجود ندارد.

۲. در اینجا تذکر این نکته لازم است که این مطالعه، مدعی پژوهشی علی نیست و جنبه توصیفی و کاملاً اکتشافی دارد و بر آن نیست که ناهمگونی مطالعات توسعه سیاسی ایران را فقط به یک عامل تقلیل دهد بلکه سعی داشته تا حدی بتواند ابهامات و پیچیدگی این عرصه را روشن‌تر سازد؛ به همان‌گونه که یک مطالعه اکتشافی انجام می‌شود.

کتاب‌نامه

- آویارد، هلن (۱۳۹۰). چگونه یک تحقیق مروری انجام دهیم؟، ترجمه پوریا صرامی فروشانی و فردین علی‌پور گراوند. تهران: جامعه‌شناسان
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۴). فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی. چاپ دوم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- بارت، رولن (۱۳۷۸). «نقد چیست؟»، ترجمه حمیدرضا ابک. کارنامه، ش ۴، صفحات ۲۵-۲۲
- بدیع، برتران (۱۳۷۶). توسعه سیاسی. ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: قومس
- بدیعی، نعیم (۱۳۷۵). «تجزیه و تحلیل محتوا. نحوه محاسبه ضریب قابلیت اعتماد». تحقیق در علوم انسانی. ش ۱، بهار ۱۳۷۵
- برنل، پیتر و روندال، ویکی (۱۳۹۳). مسائل جهان سوم، ترجمه احمد ساعی و سعید میرترابی، چاپ پنجم، تهران: قومس
- بشیریه، حسین (۱۳۸۷). تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم. چاپ هشتم. تهران: نشر نی
- پای، لوسین و دیگران (۱۳۸۰). بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی. ترجمه غلامرضا خواجه‌سروی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

نقد روش‌شناختی مطالعات مرتبط با توسعه سیاسی ایران ۷۵

تقوی، مصطفی (۱۳۹۵). «سرچشمه‌های معرفت‌شناسی آنارشییستی فایرابنده». فلسفه علم، سال ششم، ش ۲. صص ۱-۱۵

چالمرز، آلن اف (۱۳۸۵). *چیستی علم*. ترجمه سعید زیباکلام. چاپ هفتم. تهران: سمت

حجازی‌زاده، بهزاد (۱۳۸۷). *آشنایی با مقالات مروری و مرور نظام‌مند*. دانشگاه علوم پزشکی کرمان

حیدری، آرش و هدایت، نصیری (۱۳۹۴). *مسئله آلتوسر*. تهران: تیسا

رواسانی، شاپور (۱۳۹۰). *دولت و حکومت در ایران در دوره تسلط استعمار سرمایه‌داری*. تهران: امیرکبیر

زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶). *نقد و ناقد*. در کتاب نقد و نقد کتاب. تهران: خانه کتاب

سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۳). *عقلانیت و توسعه یافتگی ایران*. چاپ هفتم. تهران: فرزانه روز

سیف‌زاده، حسین (۱۳۶۸). *نوسازی، توسعه و دگرگونی سیاسی*. تهران: قومس

عباداللهی، حمید (۱۳۸۸). *نقد به مثابه عمل نظری*. در عیار نقد به کوشش علی اوجبی. تهران: خانه کتاب

فوکو، میشل (۱۳۹۳). *نقد چیست؟ در تئاتر فلسفه*. چاپ چهارم. ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. تهران: نشر نی

فولادی، علیرضا (۱۳۸۹). «نقد در موقعیت پست‌مدرن»، در مجموعه مقالات عیار نقد، دفتر دوم، به کوشش علی اوجبی، تهران: خانه کتاب

قوام، عبدالعلی (۱۳۷۴). *نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی

کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۹۳). *تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران*. ترجمه علیرضا طیب. چاپ سیزدهم. تهران: نشر نی

محمدی‌مهر، غلامرضا و توسلی رکن‌آباد، مجید (۱۳۹۶). «درآمدی بر تحلیل محتوای مکتوبات انتقادی مرتبط با مسائل سیاسی - اجتماعی ایران». پژوهش‌نامه انتقادی، سال هفدهم، ش ۷، صفحات ۱۸۱-۱۵۷

مقدم حیدری، غلامحسین (۱۳۹۱). «روش‌شناسی فایرابنده». روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۸، ش ۷. صص ۱۷۶-۱۴۹

های، کالین (۱۳۸۵). *درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی*. ترجمه احمدگل محمدی، تهران: نشر نی

هدی، فرل (۱۳۹۰). *مفاهیم تحول در نظام‌های سیاسی*. در بوروکراسی و توسعه در ایران. ترجمه ابوالحسن فقیهی و حسن دانایی‌فرد. تهران: دانشگاه امام صادق.

Hagopian, Frances (2000). *Political Development, Revisited*. Comparative political studies, Vol 33. No. 517. PP. 911

Ham-Baloyi, Wilma and Jordan, Portia (2016). *Systematic review as a research method in postgraduate nursing education*. Health SA Gesondheid, No. 21, PP. 120-128

- Johari, J.C. (1991). *Comparative poletics*. NewDelhi: Sterling publisher
- Kingsbury, Damien (2007). *political Development*. London and NewYork: Routledge
- Kothari, C.R. (2004) *Research methodology*. Second Edition. New Delhi: New Age International publishers
- Mouton, Johann and marais, He. (1990) *Basic Concepts in the methodology of the social science*. South Africa: Human science research concnil
- Riggs, Fred W. 1981. *The rise and fall of political development*. In the handbook of political development. S. L. Long. NewYork: plenum Press. PP. 289-348
- Vogelmann, Frieder. (2016) *Measuring, Disrupting, Emancipating: Three pictures of critique*. Constellations, V.oo, No 0. PP. 1-11
- Wahyuni, Dina (2012) *The research design maze: understanding paradigms, cases, methods and methodologies*, Journal of applied managent acconting research, Vol. 10, No 1, PP. 69-8.

پیوست: جامعه آماری تحقیق (نام کتاب‌های مورد بررسی)

۱. از فرهنگ تا توسعه؛ توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ایران ۲. استبداد در ایران ۳. استبداد و اقتدارگرایی ویژگی‌های شخصیت عقب‌مانده ۴. استبداد، مسئله مالکیت و انباشت سرمایه در ایران ۵. اسطوره استبداد و امتناع دموکراسی ۶. اصلاح‌گرایی معمارانه (آسیب‌شناسی گذار به دولت دموکراتیک توسعه‌گرا) ۷. اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار ۸. اقتصاد سیاسی ایران ۹. امتناع تفکر در فرهنگ دینی ۱۰. انقلاب آرام، درآمدی بر تحول فرهنگ سیاسی در ایران معاصر ۱۱. ایران بین دو انقلاب ۱۲. ایران پیش از سرمایه‌داری ۱۳. ایران و دموکراسی ۱۴. ایرانیان، دوران باستان تا دوره معاصر ۱۵. بازخوانی جامعه‌شناختی سنت‌گرایی و تجددگرایی در ایران بین دو انقلاب ۱۶. بالندگی و بازندگی ایرانیان: دلایل عقب‌ماندگی ایرانیان و آسیب‌شناسی جامعه ایران ۱۷. بحران در استبدادسالاری ایران ۱۸. بحران دموکراسی در ایران ۱۹. بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر ۲۰. بنیان‌های ساختاری تحکیم دموکراسی. تجربه دموکراسی در ایران، ترکیه و کره جنوبی ۲۱. بنیان‌های فکری نظریه جامعه ایرانی ۲۲. بوروکراسی و توسعه در ایران. نگاهی تاریخی - تطبیقی ۲۳. پهلویسم یا شبه مدرنیسم در ایران ۲۴. پیچیدگی سیاست در ایران ۲۵. پیش‌درآمدی بر استبدادسالاری در ایران ۲۶. تأملی در مدرنیته ایرانی ۲۷. تبارشناسی استبداد ایرانی ما ۲۸. تبیین جامعه‌شناختی ایدئولوژی و توسعه سیاسی در ایران معاصر ۲۹. تجدد آمرانه. جامعه و دولت در عصر رضاشاه ۳۰. تجدد بومی و بازاندیشی تاریخ ۳۱. تجدد و تجددستیزی در ایران ۳۲. تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر ۳۳. تجربه بازی سیاسی در میان ایرانیان ۳۴. تحزب و توسعه سیاسی. (کتاب دوم) تحزب در ایران ۳۵. تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران ۳۶. تراژدی دموکراسی در ایران ۳۷. تعارض فرهنگی دولت و مردم در ایران (۱۳۸۰-۱۳۵۷) ۳۸. تقدیر مردم‌سالاری. نقش انتخابات در روند دموکراسی ایران ۳۹. تکوین سرمایه‌داری در ایران ۴۰. تمرکزگرایی و توسعه نیافتگی در ایران معاصر ۴۱. توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و امنیت ۴۲. توسعه و دموکراسی و دلالت‌های آن برای ایران ۴۳. توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه ۴۴. جامعه سیاسی، جامعه مدنی و توسعه ملی ۴۵. جامعه مدنی و ایران امروز ۴۶. جامعه مدنی: اصول، رویکردها و زمینه شکل‌گیری آن در انقلاب اسلامی ایران ۴۷. جامعه مدنی، دولت و نوسازی در ایران معاصر ۴۸. جامعه‌شناسی ایران. جامعه کژمدرن ۴۹. جامعه‌شناسی خودمانی (چرا در مانده‌ایم) ۵۰. جامعه‌شناسی سیاسی ایران مبتنی بر کنش ارتباطی ۵۱. جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی. تحلیل تطبیقی درون‌کشوری از مشارکت انتخاباتی در ایران ۵۲. جامعه‌شناسی نخبه‌کشی. تحلیل جامعه‌شناختی برخی از ریشه‌های تاریخی استبداد و عقب‌ماندگی در ایران ۵۳. جدال دموکراسی با استبداد در ایران ۵۴. جستاری بر عوامل بازدارنده احزاب سیاسی در ایران ۵۵. جمهوریت ناتمام ۵۶. جهانی شدن و دموکراسی در ایران ۵۷. چالش سنت و مدرنیته در ایران از مشروطه تا ۱۳۲۰، ۵۸. چرا ایران عقب‌ماند و غرب پیش رفت؟ ۵۹. چرا عقب مانده‌ایم؟ جامعه‌شناسی مردم ایران ۶۰. چرا عقب مانده‌ایم؟ علم عقب‌ماندگی یا عقب‌ماندگی علمی ۶۱. حزب در ایران ۶۲. حقوق مخالفان، تمرین دموکراسی برای جامعه ایرانی ۶۳. خودکامگی و فرهنگ ۶۴. خیزش‌های عقلانی

شدن در طلوع ایران مدرن ۶۵. در پیرامون خودمداری ایرانیان ۶۶. در تکاپوی مدنیت ایرانی ۶۷. در فضیلت مدنیت، نگاهی به نامدنیتهای سیاسی و اجتماعی در ایران ۶۸. درآمدی بر جامعه‌شناسی استبداد ایرانی ۶۹. درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت‌های سیاسی ۷۰. درآمدی بر عقلانیت سیاسی در ایران ۷۱. درخشش‌های تیره ۷۲. دریغ است ایران که ویران شود ۷۳. دموکراتیزاسیون در ایران ۷۴. دموکراسی و دشمنانش در ایران جامعه‌شناسی فرهنگ سیاسی (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰) ۷۵. دموکراسی و هویت ایرانی، بحثی در ژئوپلتیک و جغرافیای سیاسی ایران و ایران‌شناسی ۷۶. دو نظام سیاسی - جغرافیایی در ایران ۷۷. دولت پنهان. بررسی جامعه‌شناختی عوامل تهدیدکننده جنبش اصلاحات ۷۸. دولت مدرن در ایران ۷۹. دولت و توسعه اقتصادی در ایران ۸۰. دولت و توسعه اقتصادی. اقتصاد سیاسی توسعه در ایران و دولت‌های توسعه‌گرا، ۸۱. دولت و جامعه در ایران. انقراض قاجار و استقرار پهلوی ۸۲. دولت و حکومت ایران در دوره تسلط استعمار سرمایه‌داری ۸۳. دولت و نیروهای اجتماعی در عصر پهلوی اول ۸۴. دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران ۸۵. دیپلاچهای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران ۸۶. دیپلاچهای بر فرهنگ استبداد در ایران ۸۷. دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران ۸۸. راه دراز گذار ۸۹. راه دشواره اصلاحات مؤلفه‌ها و موانع توسعه سیاسی ۹۰. رفتار انتخاباتی در ایران، الگوها و نظریه‌ها ۹۱. رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در ج.ا. ۹۲. روان‌شناسی نخبگان سیاسی ایران ۹۳. روایتی آسیب‌شناختی از گسست نظام و مردم در دهه دوم انقلاب ۹۴. سرمایه اجتماعی، حلقه مفقوده در توسعه سیاسی ایران ۹۵. سنت و مدرنیته، ریشه‌یابی علل ناکامی اصلاحات و نوسازی سیاسی در ایران عصر قاجار ۹۶. سهم فرهنگ سیاسی ایران در ناپایداری احزاب ۹۷. سیاست در ایران. گروه‌ها، طبقات و نوسازی ۹۸. شکاف‌های جامعه ایرانی ۹۹. طبقات اجتماعی و رژیم شاه ۱۰۰. طبقه متوسط و تحولات سیاسی در ایران معاصر (۱۳۲۰- ۱۳۸۰) ۱۰۱. عقلانیت و توسعه یافتگی ایران ۱۰۲. علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران ۱۰۳. علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران ۱۰۴. عوامل تکوین و بازتولید استبداد در ایران ۱۰۵. فرایند گذار و موانع توسعه و دموکراسی در ایران ۱۰۶. فرهنگ سیاسی ایران ۱۰۷. فرهنگ سیاسی ایران ۱۰۸. فرهنگ سیاسی در ایران ۱۰۹. فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی ایران ۱۱۰. فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی. مطالعه تطبیقی کره و ایران ۱۱۱. فرهنگ و ساختار قدرت سیاسی در ایران ۱۱۲. کالبدشکافی توسعه در ایران ۱۱۳. کشاکش دموکراسی و امنیت ملی در ایران ۱۱۴. ما ایرانیان. زمینه‌کاوی تاریخی و اجتماعی خلیقات ایرانی ۱۱۵. ما چگونه ما شدیم؟ ریشه‌یابی علل عقب‌ماندگی در ایران ۱۱۶. مجلس قانونگذاری و توسعه سیاسی ایران ۱۱۷. مدرنیته زیبا و تفکر عقیم. چالش تاریخی دولت مدرن و باروری علوم انسانی در ایران ۱۱۸. مدرنیسم توسعه نیافتگی و از خود بیگانگی طبقه متوسط جدید در ایران ۱۱۹. مردم در سیاست ایران ۱۲۰. مردم‌سالاری چالش سرنوشت‌ساز ایران ۱۲۱. مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران ۱۲۲. مشارکت سیاسی زنان ۱۲۳. مشارکت سیاسی طبقه کارگر در ایران ۱۲۴. مشارکت سیاسی و اجتماعی نخبگان ۱۲۵. مشروطه ایرانی ۱۲۶. مشروطه ناکام: تأملی در رویارویی ایرانیان با چهره ژانوسی تجدد ۱۲۷. معمای حاکمیت قانون در ایران ۱۲۸. مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران ۱۲۹. مقاومت شکننده. تاریخ

تحولات اجتماعی ایران ۱۳۰. مقایسه نقش نخبگان در فرایند نوسازی ایران و ژاپن ۱۳۱. ملاحظاتی در تاریخ ایران (علل تاریخی عقب ماندگی جامعه ایران) ۱۳۲. منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران ۱۳۳. مناسبات قدرت و قانون در ایران معاصر ۱۳۴. موانع تاریخی توسعه نیافتگی در ایران ۱۳۵. موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه ۱۳۶. موانع تحقق توسعه سیاسی در دوره سلطنت رضاشاه ۱۳۷. موانع توسعه سیاسی در ایران ۱۳۸. موانع حقوقی توسعه سیاسی در ایران ۱۳۹. موانع شکل‌گیری دولت توسعه‌گرا در جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰. نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب ۱۴۱. نخبگان و تحول فرهنگ سیاسی در ایران دوره قاجار ۱۴۲. نظام سیاسی و توسعه (بررسی موردی نقش نظام سیاسی در روند توسعه ایران) ۱۴۳. نظم و روند تحول گفتار دموکراسی در ایران ۱۴۴. نوسازی و اصلاحات در ایران (از اندیشه تا عمل) ۱۴۵. یقه سفیدها، جامعه‌شناسی نهادهای مدنی در ایران امروز.